



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۴

۱۱ بهمن ۱۳۸۱

۳۱ ژانویه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

نه به رژیم اسلامی

(۱)

فاتح بهرامی

نفرت مردم ایران از جمهوری اسلامی دارد به یک نیروی اجتماعی عظیم برای بزیر کشیدن حکومت بلبل میشود. مردم از حکومت اسلامی تنفر دارند چون موقعیت انسان تحت حاکمیت این رژیم مادون شان بشر است. شادی، رفاه، آسایش، امنیت، آزادی، برابری، و حرمت انسان ها زیر چکمه های حکومت اسلامی له شده است. مردم را تا ته دیوار عقب نشانده اند و اکنون هجوم مردم به کل حکومت اجتناب ناپذیر شده است. نئی مردم به جمهوری اسلامی، "نه" به تمام مظاهر ضد انسانی آن است. سقوط و سرنگونی این رژیم آنچهان برای همه حتی شده که امروز محور بحث تحولات سیاسی ایران حول نوع حکومت آتی چرخ میزند. اما "نه" مردم به توحش اسلامی آری به هر نوع حکومتی نیست. رهائی از بختک جمهوری اسلامی لازم است ولی کافی نیست. مردم میخواهند مانند انسان زندگی کنند و از رفاه و آزادی و برابری و حرمت انسانی برخوردار باشند. بعبارت دیگر "نه" مردم به جمهوری اسلامی در عین حال "نه" به اختناق، ستم و تبعیض، نابرابری، فقر، بیکاری، بیحقوقی، بیحرمتی، و در یک کلام "نه" به تمام آن چیزهایی است که به حق و آزادی و زندگی درخورد انسان لطمه میزند. اما "نه" همه اپوزیسیون سرنگونی طلب به جمهوری اسلامی با "نه" مردم یکی نیست. "نه" مردم ایران را فقط حزب کمونیست کارگری نمایندگی میکند. جریان دیگری که برای ایفای نقش در تحولات سیاسی ایران مطرح است، یعنی اپوزیسیون راست طرفدار آمریکا، جریان سلطنت طلب، بروشنی در مقابل اهداف و مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران ایستاده است. این جریان از یک سو به قدرت و پشتیبانی آمریکا تکیه میکنند و از سوی دیگر به این امید بسته است که مردمی که جمهوری اسلامی آنها را به مرگ گرفته به تب راضی شوند. اما این امید واهی است. مردم ایران نه تنها تجربه انقلاب ۵۷ که انقلابی برای آزادی و رفاه بود را پشت سر دارند و از شکست آن درس گرفته اند، بلکه همچنین از حقایق و اتفاقات و پیشرفت جهان پیرامون خود مطلعند. این مردمی چشم و گوش بسته نیستند. عواقب و بدبختی های ناشی از یک حکومت آمریکائی برای مردم ایران ناشناخته نیست. سلطنت طلبان و اپوزیسیون راست طرفدار آمریکا تلاش میکنند توجه مردم به فرهنگ غربی را با توجه مردم به دولت آمریکا و حکومت دست نشانده آن یکی تصویر کنند. این شعبده بازی البته نمیگردد.

مردم لازم نیست راه دوری بروند تا

صفحه ۴

قطعهنامه علیه جنگ آمریکا و در دفاع از مردم عراق

صفحه ۴

کشتار جمعی

به بهانه "جلوگیری از کشتار جمعی"

حمید تقوائی



صفحه ۲

هزار نفر برآورد میکند. اگر این کشتار جمعی نیست چه چیزی کشتار جمعی است؟ آیا اگر این خبر به بیرون درز کرده بود که تروریستهای اسلامی قرار است طی عملیاتی نه در مقیاس صدها هزار بلکه صدها نفر را قربانی کنند آیا همه دولتها و نهادهای رسانه های "شریفی" که امروز بر طبل جنگ میکوبند فریادشان به هوا میرفت و تمام امکانات خود را برای جلوگیری از این فاجعه بسیج نمیکردند؟ اگر خبر این بود که یک فاجعه طبیعی، زلزله و یا

جنگ آمریکا علیه عراق، که به بهانه جلوگیری از کاربرد سلاحهای کشتار جمعی انجام میشود، خود یک کشتار جمعی تمام عیار خواهد بود. خود مطبوعات آمریکا باستناد اطلاعاتی که از سازمان ملل به بیرون درز کرده است اعلام میکنند که کشته ها و مصدومین این جنگ بیش از ۵۰۰ هزار نفر خواهد بود. سازمان پزشکان بدون مرز تعداد کشته شدگان غیر نظامی جنگ، یعنی مردم عادی عراق، را تنها طی هفته های اول جنگ بیش از صد

شوراها و "مساله دموکراسی" در ایران

صفحه ۲

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

صفحه ۲

گفت و شنود با اعضای رهبری حزب

صفحه ۴

مردم عراق بازنده اصلی جنگ



صفحه ۳

یکپارچگی عراق توسط جریانات قومی کرد و عرب و ترکمن و آشوری و گروههای مذهبی شیعه و سنی و غیره ممکن نیست. علاوه بر تخاصم تاریخی هر کدام از این جریانات قومی و مذهبی با هم، هرکدام نیز سرشان به یکی یا چند تا از دولتهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی و دولت ترکیه بند است و حیانتشان به این کشورها بسته است.

مظفر محمدی

تحولات آتی عراق و سرنوشت حکومت آتی بعد از صدام نه در کنگره و کنفرانسههای اپوزیسیون عراقی در لندن یا صلاحالدین و یا در دیپلماسی انتظار، بلکه در پنتاگون و کاخ سفید دارد رقم زده میشود. آمریکا میدانند که در عراق پس از صدام حفظ

سازمان جهانی کار در تلاشی عبث



صفحه ۳

را از آغاز حفظ نموده بود اخیرا در عرصه سیاست در ایران فعال تر شده و سفیرانش را راهی ایران نموده تا در نحوه شکل گیری تشکلهای کارگری از نزدیک دخالت کند. روز بیستم ژانویه نمایندگان

کاظم نیکخواه

سازمان جهانی کار اخیرا به نحو فعالتری به فکر مشروعیت بخشیدن به تشکلهای دست ساز جمهوری اسلامی و مشخصا نوع دودزدادی آن افتاده است. این سازمان که مرادوات خود با جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شوراها و "مسأله دموکراسی" در ایران

حمید تقوائی

هرکس در ایران خواهان آزادی است باید طرفدار شوراها باشد. تمام تاریخ سیاسی سده اخیر ایران، و امروز در شرایط سیاسی عمومی در دنیای بعد از جنگ سرد، گواه آنست که دموکراسی پارلمانی برای مردم آزادی نیاورد. انقلاب ۵۷ نیز تأکید دیگری بر این واقعیت بود که آزادی در ایران نه به دموکراسی بلکه به شوراها گره خورده است. امروز که بوی الرحمن جمهوری اسلامی بلند شده و همه نیروهای اپوزیسیون بیاد دموکراسی و مردمسالاری و رای مردم برای تعیین حکومت آتی افتاده اند جا دارد یکبار دیگر این حقیقت را در برابر چشم همگان قرار داد.

دموکراسی: معضل بورژوازی ایران

در تاریخ ایران دموکراسی و لیبرالیسم، به معنای کلاسیکی که با انقلاب کبیر فرانسه بدینا معرفی شد، هیچگاه بجز در دوره کوتاهی در انقلاب مشروطه، و تازه آنهم آغشته با افکار مذهبی، نمایندگی نشد. همان حد از آزادیخواهی و لیبرالیسم که در سطح سیاسی و اجتماعی و فرهنگی از جانب متفکرین و انقلابیون صدر مشروطه نمایندگی میشد نیز با متمم قانون اساسی و بازگشت سلطنت و مشروطه به صحنه تماماً پس گرفته شد. دموکراسی پارلمانی و کلا لیبرالیسم در ایران سقط شده بدینا آمد؛ مذهب و سلطنت از همان آغاز به آن اجازه تنفس ندادند. تمام تاریخ معاصر ایران داستان سلطه این دو نهاد ارتجاعی، در کنار هم و یا در اپوزیسیون یکدیگر، بر سرنوشت مردم ایران است. آنچه در تمام این دوران، چه در دوران سلطنت پهلوی و چه دوران جمهوری اسلامی، هیچ جایگاهی در سیاست حکومت نداشته است آزادیهای مدنی و سیاسی مردم حتی به مفهوم محدود لیبرالی آن بوده است. مجلس و دموکراسی پارلمانی در تاریخ سیاسی معاصر ایران نهایتاً نقشی بیش از چهره آرائی استبداد حاکم نداشته اند. در زمان شاه اینطور بود و امروز هم همینطور است و تا زمانی که مذهب و یا سلطنت، تا زمانی که خدا و یا سایه اش، صحنه گردانان سیاست ایران باشند وضع به همین منوال خواهد بود. این دو نهاد ماهیتاً با آزادی متناقضند.

شوراها: نقد اجتماعی دموکراسی در ایران

انقلاب ۵۷ در پاسخ به مسأله دموکراسی راه دیگری در برابر جامعه قرار داد: شوراها. در انقلاب ۵۷، طبقه کارگر که پس از اصلاحات ارضی به یک

نیروی عظیم اجتماعی تبدیل شده بود پا به عرصه سیاست گذاشت و با پرچم شوراها در برابر بورژوازی قرار گرفت. انقلاب ۵۷ و پیامدهای آن بیش از هر تحول دیگری در تاریخ معاصر ایران این واقعیت را عیان کرد که بورژوازی ایران با پرچم کهنه و پوسیده "دموکراسی سلطنتی" و "دموکراسی مذهبی" اش نه تنها به آزادی بیربط است بلکه تماماً در برابر آن ایستاده است.

از زمانی که شعار شوراها در سطح جامعه ایران مطرح شد و حتی در دوره کوتاهی بقدرت انقلاب در سطوح مختلف جامعه عملی شد، مردم ایران پرچم و معیار جدیدی برای طرح آزادیهای مطلوبیشان، برای بیان و اعمال نظر و اراده شان در تعیین مقدرات سیاسی خود، و بالاخره برای سنجش آزادیخواهی نیروها و احزاب مدعی طرفداری از مردم یافتند. طرح وسیع شعار و خواست شوراها بن بست دموکراسی در ایران را شکست و نیروها و احزابی که در تمام دوره حیات سیاسی شان هنری بجز انداختن شل سلطنت و یا عباي مذهب بدوش دموکراسی لیبرالی غرب نداشته اند، و امروز هم در حکومت و یا اپوزیسیون (و یا جایی در بینابین!) به همین کار مشغولند، را تماماً بی اعتبار کرد. انقلاب ۵۷ با طرح شوراها نه تنها دموکراسی در شکل الکن سلطنتی-مذهبی اش، بلکه دموکراسی غربی را در اساس نقد کرد و به کنار گذاشت. مطلوبیت و نفوذ شوراها در میان مردم بقدری وسیع بود که حتی ضدانقلاب اسلامی ناگزیر شد ارگانهای پلیسی خود را شوراها را اسلامی بنامد. انقلاب و به همراه آن شوراها و جنبش شورایی به شکست کشیده شد اما تاریخ را نمیشود به عقب کشید و یا حذف کرد. شورا حرف آخر جنبش آزادیخواهی در ایران است. دیگر انتظار و توقع مردم ایران از آزادی، در جامعه ای که در تجربه و خاطره زنده خود تا حد ایجاد شوراها و اعمال اراده شورایی به پیش رفته است، را نمیشود در قالب تنگ دموکراسی پارلمانی محدود کرد. راه آزادی در ایران از شوراها میگذرد.

انحطاط دموکراسی در نظم نوین جهانی

مبارزه برای آزادی در ایران تا شوراها پیشرفته است و تنها میتوان از این آخرین سنگر خود به جلو قدم بردارد. علیرغم این واقعیت امروز شاهد آنیم که نیروهای که اساساً تحت فشار جنبش آزادیخواهان و سرنوشتی طلبانه مردم بیاد آزادی و احترام به رای مردم افتاده اند همچنان با پرچم پوسیده و امتحان پس داده دموکراسی پارلمانی به میدان آمده اند. این عمدتاً نتیجه دو پدیده در نهایت مرتبط با یکدیگر یکی در سطح ایران و دیگری در سطح سیاست جهانی

است.

در سطح ایران ۲۴ سال دیکتاتوری وحشیانه و بغایت ضد انسانی جمهوری اسلامی میدانی برای خودنمایی دموکراسی پارلمانی شاهنشاهی بوجود آورده است. امیدوارند مردم به مرگ گرفته شده به تب راضی شوند. تصور میکنند که میشود یکبار دیگر تحت نام آزادی داستان کمند تراژیک بندهستان قدرت بین مذهب و سلطنت را تکرار کرد. مجلس اسلامی را برد و مجلس سلطنتی را آورد و ایران را دموکراسی کرد.

عامل دیگر شرایط جهانی ایست که چنین سناریوی رسوا شده ای را عملی و قابل اجرا جلوه میدهد. پس از فروپاشی دیوار برلین و پایان جنگ سرد دموکراسی به معنای قرن بیستمی کلمه، به معنای اقتصاد بازار آزاد و سلطه بلامنازع سرمایه و ملزومات سود آوری سرمایه بر مقدرات مردم، به حرف آخر در سیاست جهانی آمریکا تبدیل شد. این نوع دموکراسی، حتی بدون تبیین سلطنتی-مذهبی دموکراسی پنهان وطنی، قیامی است که گویا به تن "مردمسالاران" اپوزیسیون جمهوری اسلامی و حتی "اصلاح طلبان" درون حکومت دوخته اند. هم باب طبع خاتمی و گنجی است و هم داریوش همایون و رضا پهلوی. از یک طرف جمهوری ولی فقیه خون مردم را در شیشه کرده است و از طرف دیگر دموکراسی فاتح جنگ سرد، دموکراسی نسبیست فرهنگی یافته و کاملاً تهی شده از آخرین شائبه های آزادیخواهانه، یک تاز میدان شده است. اگر بورژوازی ایران در تمام دوران حیات سیاسی اش توانایی و جریده بلند کردن پرچم دموکراسی پارلمانی غربی را نداشت امروز به نظر میرسد برای ایفای این نقش، حتی از زبان امثال گنجی و سروش، خود را آماده میکنند. نه به این خاطر که شل سلطنت و عباي مذهب را کنار گذاشته، نه کاملاً برعکس، باین دلیل که در نظم نوین جهانی پس از جنگ سرد، دموکراسی غربی برای مذهب و سلطنت کاملاً جا باز کرده است. باین دلیل که کل جهان به فقیرا رفته است. دموکراسی، این گنشته ایست که نیروهای اپوزیسیونی که بیشتر از انقلاب در هراسند تا از جمهوری اسلامی، بجای آینده میخوانند به مردم بفروشد. این گذشته تاریکی ایست که بعنوان آینده روشن به مردم وعده میدهند.

شوراها و حکومت آتی در ایران

اما مردم ایران ناگزیر نیستند یکبار دیگر ملعبه این دموکراسی بازی جهانی و وطنی شوند. حزب طبقه ای که شوراها را در انقلاب ۵۷ همه گیر کرد، حزب کمونیست کارگری، این اجازه را نمیدهد. جنبش شورایی راه

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

با اطلاع میرسانیم که مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. آذر ماجدی و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق شما را به شرکت در این مراسم دعوت میکنند. بمنظور تسهیل امور تدارکاتی از دوستانی که مایل به شرکت در مراسم هستند خواهش میکنیم که هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند. اطلاعات دقیقتر در مورد چگونگی برگزاری مراسم بعداً باطلاعتان خواهد رسید.

تلفن: ۰۷۰ ۵۸ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴+ جواد اصلانی
ای میل: salgardinfo@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری عراق

آذر ماجدی

۲۳ ژانویه ۲۰۰۳

و کودک و پیر و جوان را کشتار جمعی کرد و این جنایت را هم دفاع از بشریت و صلح و امنیت نام گذاشت. میگویند آقدر با کاربرد سلاحهای کشتار جمعی و بخصوص برنامه ای که صدام برای تولید سلاحهای هسته ای دارد مخالفند که ممکن است در این جنگ از سلاحهای هسته ای تاکتیکی استفاده کنند! بی شرمی هم حلی دارد. این مبارزه با تروریسم نیست عین تروریسم است. این ۱۱ سپتامبر محترم و رسانه های جمعی محترمترا! لطفاً در تبلیغات پوچی که براه انداخته اید پای بشریت و آزادی را بمیان نکشید. بشریت آزادیخواه در برابر این جنگ و توحش نوین جهانی که برقرار کرده اید ایستاده است و خواهد ایستاد. جهان متمدن در برابر شماست.

از صفحه ۱ کشتار جمعی ...

سیلی در راهست که ممکن است هزاران نفر را در منطقه ای از دنیا نابود کند آیا باز هم عکس العملشان همین بود که امروز هست؟ آیا همه برای نجات جان مردم بسیج نمیشدند و همه امکانات خود را به این منظور بکار نمیگرفتند؟ روشن است چنین میباید و از هر کس بخود نام انسان میگذارد انتظاری جز این نمی رود. اما ظاهراً همه این بدبختیهای وقتی نوبت به سیاست خارجی آمریکا میرسد رنگ میبازد. ظاهراً چون سیاست خارجی دولت آمریکا ایجاب میکند که میشود باسم "جلوگیری از امکان کشتار جمعی در آینده" همین امروز در مقیاس صدها هزار زن و مرد

رسیدن به آزادی را در ایران روشن کرد و به آزادیخواهان واقعی نشان داد. میراثدار و پرچمدار این جنبش حزب ماست. در برنامه و ادبیات حزب ما جنبش شورایی هویت سیاسی یافته و نمایندگی شده و زنده مانده است. همانطور که آزادیها و حقوق مدنی پایه ای مردم که همواره از جانب دموکراسی پنهان مسکوت گذاشته شده و یا تحت الشعاع وطن و مذهب و تمامیت ارضی و استقلال و غیره قرار گرفته است، در برنامه حزب ما بروشنی و صراحت تعریف و اعلام شده است. تحقق این آزادیها تنها از طریق شوراها ممکن است. شورا ضامن رای و نظر و اعمال اراده مستقیم مردم در عرصه سیاست و حکومت و اداره امور خود است و به این معنا تقد عمیق دموکراسی لیبرالی است که حتی در آزادانه و ایده آل ترین شکل خود نظر و اراده فرد را به یک رای هر چند سال یکبار تنزل میدهد.

امروز احزاب و نیروهای راست در پاسخ به مسأله جایگزینی جمهوری اسلامی از مردمسالاری و رفراوندم و

احترام به نظر مردم دم میزنند. و باز به سیاق همیشه پرچم رنگبخته دموکراسی پارلمانی را، بنا به سنت دیرینه خود و به مد روز نظم نوین جهان بعد از جنگ سرد آغشته به میزان معینی مذهب و یا سلطنت تطیف شده، بعنوان "راهکار" آزادی در ایران علم کرده اند. اما کارگران و توده مردم در انقلاب ۵۷ و حزب آنان، حزب کمونیست کارگری، در برنامه خود مدنیتهاست اعلام کرده اند آزادی و دخالت مردم در سرنوشت سیاسی خویش بدون شوراها فریبی بیش نیست. پاسخ حزب ما به مسأله نظام حکومتی آتی ایران جمهوری سوسیالیستی، یعنی نظامی است که ارکان آنرا شوراهاست مردم تشکیل میدهند. جمهوری سوسیالیستی یک نظام شورایی است و با استقرار آن جنبش شورایی که با انقلاب ۵۷ آغاز شد به پیروزی خواهد رسید و دموکراسی در اشکال غربی و یا مذهبی و یا سلطنتی اش برای همیشه به موزه تاریخ سپرده خواهد شد. هرکس در ایران خواهان آزادی است باید طرفدار جمهوری سوسیالیستی باشد.

از صفحه ۱

مردم عراق ...

تبلیغات احزاب اپوزیسیون عراقی این روزها بر این سناریو متمرکز است که جنگ آمریکا علیه عراق هم محتمم و هم مشروع است و نتیجه این جنگ، اتوماتیک به حذف صدام و سپردن سرنوشت سیاسی عراق به آنها و فدرالیسمشان می انجامد. به این ترتیب همه چیز به خوبی و خوشی تمام میشود و مردم عراق در سایه این جنگ و سپس حکومت آنها، آزاد و مرفه و خوشبخت میشوند.

پاداش این خیرخواهیش را به آن جهان وامیگنارد! اینها حتی از نقشه روشن و اعلام شده آمریکا برای عراق بعد از صدام طفره رفته و خود و مردم را نسبت به آن میفریبند. نیویورک تایمز در یک گزارش اعلام میکند که ارتش آمریکا بازیگر اصلی در اداره عراق خواهد بود. آمریکا با صراحت اعلام کرده است که با حضور نظامی سنگین، میادین نفتی عراق را حد اقل به مدت یک سال ونیم تسخیر کرده و آن را تحت کنترل در می آورد. و این جز مصادره منابع و ثروتهای این کشور در عوض بهای بمبهایی که بر سر مردم عراق میریزد و برای پرداخت حقوق سراسر آور ژنرالها و کوماندهوهای داوطلب ارتش آمریکا و انگلیس معنایی ندارد. آمریکا میگوید فقط حذف صدام را مورد نظر دارد و بقیه نظام حکومتی عراق را نگه میدارد و به اصطلاح اصلاحش میکند، (البته در جهت حفظ منافع خودش). احزاب اپوزیسیون نیز در چهارچوب یک سیستم آمریکایی شناس ایفای نقش دست نشاندهی درجه دومی خواهند داشت. اما مردم ۱۲ سال است حضور این اپوزیسیون و حتی حکومت بخشی از آنها را دیده و آیندگی که اینها بیابند را پیشاپیش میشناسند. آیندگی که زن بودن در آن جرم و آزادی در آن ممنوع باشد. مردم این آینده را نمیخواهند.

اما جنبش عظیم ضدجنگ در سطح جهان از آمریکا تا اروپا و آسیا و استرالیا به این سناریوی سیاه آمریکا و نوکرانش نه میگوید. جنبشی که میروید ابعاد آن از جنبش توده‌ای و جهانی ضد جنگ آمریکا علیه مردم ویتنام فراتر برود. و این یک وجه سناریوی مقابل است که گروههای قومی و اسلامیهایی وابسته به ایران از آن طفره میروند و حتی خبر آن را در مدیانشان منعکس نمیکند. تلاش اینها اینست که تصویر جنایتکارانه و ویرانگر و ضد انسانی جنگ را روتوش کنند و همچنین امکان پیشگیری از آن را منتفی اعلام کنند.

جنگ برای مردم عراق خوشبختی و امنیت به ارمغان نمی آورد

در صورت وقوع جنگ آمریکا و متحدینش در عراق سناریویی که جلو روی مردم عراق قرار دارد چیز دیگری است. هنوز جنگ شروع نشده فضای رعب و وحشت و ناامنی ناشی از تبلیغات جنگی آمریکا و احزاب اپوزیسیون، زندگی را بر مردم در سراسر عراق تنگ و تلخ کرده است. کیست نداند که جنگ آمریکا منجر به راه انداختن دریای خون از مردم عراق و خانه خرابی و از دست رفتن منابع و ثروتهای مادی و ویرانی جاده ها و پلها و مدارس و بیمارستانها و غیره خواهد شد. این سرنوشت وحشتناک است که مردم عراق به آن دچار میشوند و این را البته احزاب قومی و مذهبی اپوزیسیون و ملیپاشان از دید مردم مخفی میکنند. اینها با تعریف و تمجید از نیروهای نظامی و تجهیزات پیشرفته آمریکایی این تصویر را میدهند که گویا رامبوهای آمریکایی و انگلیسی در یک چشم بهم زدن صدام را حذف میکنند و خون از دماغ کسی نمیریزد.

بازیگر اصلی صحنه سیاسی عراق بعد از جنگ ارتش آمریکا است

احزاب اپوزیسیون عراقی نتیجه جنگ را فریبکارانه چنان تصویر میکنند که گویا آمریکا با حذف صدام، مملکت و چاههای نفتش را به آنها سپرده و خود به عنوان قهرمان فاتح و خیرخواه مردم عراق، به خانلش برمیگردد و

از صفحه ۱

سازمان جهانی کار ...

چند "تشکل" از ایران تحت عنوان تشکلهای مستقل کارگری "راهی ژنو" شدند تا با مقامات آی ال او ملاقات و مذاکره کنند. سفر این هیئت بعد از سفر چند هفته قبل هیئتی از سوی سازمان آی ال او به ایران و ملاقات و مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی صورت گرفت که بنیال آن آی ال او دو تشکل را بعنوان تشکلهای واقعی کارگری اعلام نمود. این دو تشکل عبارت بودند از انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران و انجمن صنفی رانندگان حمل و نقل. هر کس با مسائل کارگری در ایران کوچکترین آشنایی داشته باشد میداند که در ایران هیچ تشکل رسمی ای تشکل واقعی کارگری نیست و هرودی این به اصطلاح انجمنهای صنفی دست ساز جبهه مشارکت و شرکای دولتی و غیر دولتی آنها هستند و ترکیب اعضای آن نیز نشان میدهد که ربطی به کارگران ندارند. آی ال او میگوید این دو سازمان تنها سازمانهای کارگری مستقل از دولت در ایران هستند. هدف از سفر نمایندگان تشکلهای کذایی مستقل نیز رسماً این طور اعلام شده: معرفی از نزدیک این تشکلهای به مقامات آی ال او و گسترش همکاری تشکلهای آزاد و مستقل با این سازمان بین المللی.

داستان تا همینجا نشان میدهد که سازمان جهانی کار عاملان به مسیری برای دخالت در امور کارگری ایران پای گزارده است که جز خشم و انزجار کارگران ایران چیزی در پی نخواهد داشت. تشکلهای آزاد و مستقل تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران؟! آیا دست اندرکاران این سازمان نمیدانند که تشکل کارگری آزاد و مستقل در ایران تحت حکومت اسلامی وجود خارجی نداشته و ندارد؟! آیا این سازمان نمیداند که حکومت اسلامی ایران حکومتی است منفور و هیچکدام از جناحهای آن مقبولیت و مشروعیتی در میان مردم ندارند؟! آیا سازمان جهانی کار برآستی فکر میکند تشکل های دست ساز جبهه مشارکت و شرکای حکومتی تشکلهای مستقل کارگری هستند؟ حتی اگر فرض کنیم که این سازمان هیچ

ارتباطی با دنیای بیرون از خود نداشته باشد، تنها مدارک و اسنادی که توسط سازمانهای مختلف و از جمله حزب کمونیست کارگری ایران مستقیماً برای آی ال او ارسال شده و مدارکی که در کنگره های آن توسط برخی اتحادیه ها و تشکلهای کارگری ارائه گردیده، برای شناخت وضعیت واقعی کارگران در ایران مطلقاً کافیهست. اما سازمان آی ال او بنظر میرسد نگران چیز دیگری است.

ظاهراً مساله اینست که سازمان جهانی کار با سیاسی شدن تشکلهای کارگری مشکل دارد. اما چرا تاکنون چنین مشکلی وجود نداشته؟ شوراهای اسلامی طی سالهای گذشته سیاسی نبودند؟ خانه کارگر حکومت اسلامی سیاسی نبود؟ نمایندگان "کارگری" جمهوری اسلامی سیاسی نبودند؟

در واقع دلیل اینکه طی سالهای گذشته چنین مشکلی وجود نداشته و شوراهای اسلامی و خانه کارگر دست ساز رژیم اسلامی هم میتوانستند نماینده کارگران ایران قلمداد شوند را باید در شرایط سیاسی متحول ایران و نگرانی آی ال او از شکل گیری تشکلهای رادیکال و رزمند کارگری دید. مساله اینست که سیاستگزاران این سازمان از جنب و جوش وسیع در میان کارگران برای متشکل شدن و متحد شدن با خبر شده اند. همان وزارت اطلاعاتها و مشارکتها به ایشان اطلاع داده اند که این کارگران برای آن شوراهای اسلامی ترمه هم خرد نمیکند. اطلاع داده اند که مجامع عمومی کارگری گرداننده اعتصابات کارگری هستند. و خبر داده اند که متشکل شدن کارگران در جو سیاسی ملتهد ایران میتواند تشکلهایی میلیتانت و رادیکال و چپ را به میدان آورد. بنظر میرسد که این سازمان در تلاش است تا پاسخی به این وضعیت بدهد و پیش از آنکه دیر شود آلترناتیوی در برابر سازمانهای واقعی و میلیتانت کارگری را برسمیت بشناسد.

این سازمان علیرغم تلاش شماری از اتحادیه های کارگری عضو خود، علیرغم افشاکریمهای وسیع حزب کمونیست کارگری ایران که مورد تایید دهها اتحادیه عضو این سازمان قرار گرفت، علیرغم اعتراضاتی که به حضور جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی و خانه کارگرش در صف اعضای این سازمان

صورت گرفت، به مماشات با جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی و خانه کارگرش ادامه داد. شوراهای اسلامی و خانه کارگر تشکلهای مزد کارگری نیستند. اینها تشکلهای جاسوسی و سرکوب و خفقان علیه کارگران هستند. این را آی ال او میدانست و میدانند. این که امروز اینها اعلام میکنند که شوراهای اسلامی "سیاسی" هستند و انجمن های صنفی تشکلهای واقعی و مستقل کارگری هستند، برآستی شرم آور است. سیاست گزاران این سازمان به این نتیجه رسیده اند که با علم کردن دو انجمن صنفی دست ساز وزارت اطلاعات و جبهه مشارکت و تشویق و ترغیب به ایجاد انجمن هایی مشابه آنها، آلترناتیوی برای انحراف کارگران از ایجاد تشکلهای واقعی و رادیکال خوش ایجاد کنند. این تلاش قطعاً محکوم به شکست است و باید آنرا از هم اکنون افشا نمود. کارگران ایران میدانند که "انجمن های صنفی" کذایی نه تشکلهایی کارگری اند و نه مستقل. اینها را جناحی از حکومت براه انداخته است. آی ال او باید بداند که با چنین سیاستی خود را در میان کارگران ایران تماماً بی اعتبار میسازد. با چنین تلاشیهای نمیشود جلوی سیاسی شدن و رادیکالیسم کارگران و تشکلهای کارگری واقعی در ایران را گرفت. این رادیکالیسم ریشه در وضعیت ویژه سیاسی ایران و حاکمیت جمهوری اسلامی دارد که آی ال او در بیست سال گذشته با آن مماشات کرده و به اعتراضات کارگران و کمونیستها در این زمینه بی توجهی کرده است. کارگر ایرانی برای گرفتن ساده ترین حقوق خویش حتی برای گرفتن مزد کار شش ماه و یک سال قبل انجام شده خوش باید با همین حکومت و تشکلهای جاسوسیش نظیر شوراهای اسلامی و خانه کارگر و امثال اینها در بیفتند و سیاسی و رزمند و رادیکال شود. این اتفاقی است که صورت گرفته است و هر روز طیف وسیعتری از کارگران دارند تلاش میکنند که خود را برای این نبرد آماده تر سازند و در زیر خفقان پیوند ها و تشکلهای رزمند خود را ایجاد کنند. جلوی این روند را نمیشود گرفت. این روند تازه آغاز شده است و رو به گسترش بیشتری دارد. سازمان جهانی کار تلاش عشی را شروع کرده است.

داخلی و خارجیش ممکن است. و رهپیشان از احزاب و نیروهای قومپرست و مذهبی، کاری مقولور و ممکن است. شیشه عمر صدام و رژیمش در دست مردم است. با سرنگونی صدام از طریق یک انقلاب توده‌ای، مردم میتوانند در تعیین نظام حکومتی آیند و سرنوشت سیاسی خود دخالت کرده و تصمیم بگیرند. تنها سرنگونی از این طریق است که موقعیت بهتری برای مردم عراق می آورد، نه ماجراجوییهای آمریکا که قربانیان اصلیش مردم عراق خواهند بود.

میشود، در کنترل کامل خود گرفته تا حقایق را وارونه به خورد مردم بدهند. باید این مدیا در اختیار مردم و مخالفین جنگ هم قرار گیرد تا حقایق آنطور که هست روشن شوند.

هرگونه آمادگی مردم باید برای مقابله با جنگ افزوری آمریکا باشد، نه پذیرفتن عواقب آن و آماده شدن برای هزیمت و بی خانمانی دیگر. ممانعت از جنگ هنوز شناس دارد و نجات آرمانهای انسانی و خوشبختی مردم عراق از جنگ و قلدری آمریکا و متحدین

جنگ آمریکا را ممنوع و کفر اعلام میکنند. اینها دو روی یک سکه اند. مردم راه جداگانه دارند. پرچم مبارزه و مخالفت با جنگ را باید مردم برافرازند. حزب کمونیست کارگری عراق پیشاپیش جبهه مردم علیه جنگ قرار دارد.

باید این هشدار را جلو روی مردم گرفت، جلو روی صفوف این احزاب گرفت. احزاب اپوزیسیون عراقی در داخل عراق و بخصوص در کردستان مدیایی را که با دارایی و درآمد مردم بکار انداخته شده و مدحارجش تامين

هشدار به مردم!

مردم باید هشدار باشند که بازندگان این جنگ در وهله اول مردم عراق اند. صدام مخالفت و دشمنی با آمریکا را به عنوان وسیلهای برای مشروعیت بخشیدن به رژیمش مورد استفاده قرار میدهد و برای کشاندن مردم به جنگ میهنی و دفاع از وطن تهییج و تبلیغ میکند، از طرف دیگر احزاب اپوزیسیون بر طبل جنگ میکوبند و آن را امری مشروع و مطلوب برای خود و مردم عراق قلمداد نموده و حتی مخالفت با

قطعنامه علیه جنگ آمریکا و در دفاع از مردم عراق

همه سازمانهای کارگری و احزاب سیاسی مترقی
همه سازمانها و شخصیتهای انساندوست

و همه دوستان واقعی مردم عراق
را فرامیخوانیم که قطعنامه زیر را امضا کنند، نسخه ای از آنرا برای ما بفرستند، این قطعنامه را به هر جا میتوانند ارسال کنند و دیگران را به امضای آن تشویق کنند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
ژانویه ۲۰۰۳

ما امضا کنندگان زیر اعلام میکنیم:

۱- تهاجم آمریکا به عراق موجب کشتار و خانه خرابی بیشتر برای مردم عراق است و عواقب زیانباری را نه تنها در سطح منطقه که در کل جهان بدنبال خواهد داشت. ما تهاجم نظامی به عراق را شدیداً محکوم میکنیم و خواهان پایان دادن به تهدیدات جنگی و لشکرکشی به عراق میباشیم.

۲- محاصره اقتصادی عراق یک حربه کشتار جمعی علیه مردم عراق بوده است. این زورگویی آشکار را محکوم میکنیم و خواهان پایان دادن فوری آن هستیم.

۳- مردم عراق حکومت مستبد و ارتجاعی صدام را نمیخواهند. اپوزیسیون ارتجاعی قومی-اسلامی دست ساز آمریکا را هم نمیخواهند. اینها شایسته مردم عراق نیستند. آزادیهای همه جانبه سیاسی، آزادیهای اجتماعی و مدنی، برابری زن و مرد، آزادی مذهب و بی مذهبی و برابری همه شهروندان حقوق حاشانانپذیر مردم عراق است و زیر پا گذاشتن این حقوق از جانب هر کس باید جرم محسوب شود. این آزادیها باید تامین شود تا مردم عراق در شرایطی کاملاً آزاد و امن بتوانند نظام سیاسی مطلوب خود را در عراق تعیین کنند.

۴- همه سازمانهای کارگری، احزاب سیاسی، مردم آزادیخواه و انساندوست و دوستان واقعی مردم عراق را به مقابله قاطع با سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا و همبستگی با مبارزه مردم عراق برای ایجاد یک نظام آزاد و انسانی فرامیخوانیم.

از صفحه ۱

نه به رژیم اسلامی

اهداف آمریکا و نوع حکومتهایی که در دنیا بر سر مردم حاکم کرده است را بشناسند. حتی برای همین نسل جدید در ایران نگاه کردن به وقایع سالهای اخیر در منطقه خاورمیانه بسادگی اهداف آمریکا و محتوای نوع حکومتهای دست نشانده آنرا نشان میدهد و سرنوشت مردم را بسادگی میتواند تحت سیطره این رژیم ها منعکس کند. یک نمونه آن طالبان بود که توسط آمریکا به مردم افغانستان تحمیل شد که آن جامعه را به نابودی کشاند. و بدنبال فاجعه ای که توسط تروریسم اسلامی دست پرورده آمریکا در ۱۱ سپتامبر رخ داد، آمریکا طالبان را سرنگون کرد و حکومتی مشابه آنرا بر سر مردم حاکم کرد که حال و روز مردم خیلی بهتر از آن دوره نیست. عراق نمونه دیگر است. کشته شدن صدها هزار کودک و پیر و جوان در جنگ خلیج و پس از آن فقط یکی از ارمنگانهای آمریکا برای مردم عراق بوده است. به نام دفاع از حقوق بشر ۱۲ سال است که با تحریم اقتصادی عراق از شیر کودک تا دوا و غذای مردم را به گروگان گرفته اند که دهها هزار انسان قربانی آن بوده است. و اکنون به بهانه اینکه صدام حسین سلاح کشتا جمعی دارد، سلاحی که توسط خود آمریکا و برخی کشورهای غربی دیگر در اختیارش قرار داده اند، میروند که با جنگی ویرانگر یک دریای دیگر از خون مردم عراق را جاری سازند تا حقوق بشر را پاس بدارند و آزادی را برای مردم عراق به ارمنغان ببرند! همین امروز آمریکا دارد برای آینده عراق روی مترجعترین جریانها

گفت و شنود با اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

موضوع سخنرانی و بحث:

قطعنامه دفتر سیاسی حزب درباره

تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران و منشور آزادیهای سیاسی

استکهلم: شنبه ۱ فوریه ساعت ۶ بعدازظهر

اعضای پانل:

کوروش مدرسی، حمید تقوایی، عبدالله دارابی، فاتح شیخ، رحمان حسین زاده

محل: Akalla Traff

تلفن تماس: ۰۷۰-۷۶۵ ۳۲۳۴

یوتبری: یکشنبه ۲ فوریه ساعت ۲ بعدازظهر

اعضای پانل:

حمید تقوایی، ایرج فرزاد، رحمان حسین زاده، مجید حسینی

محل: Folkets Hus, Hammarkullen

تلفن تماس: ۰۷۰-۷۶۵ ۳۲۳۴

کلن: شنبه ۱۵ فوریه ساعت ۶ بعدازظهر

اعضای پانل:

کوروش مدرسی، حمید تقوایی، آذر ماجدی، مینا احدی، صالح سرداری، آذر مدرسی

محل: Alte Feuerwache, Melchiorstr

تلفنهای تماس: ۰۱۷۱_۹۶۷ ۹۸۶۴ و ۰۱۷۳_۹۸۷ ۰۱۰۰

لندن: یکشنبه ۲۳ فوریه ساعت ۲ بعدازظهر

اعضای پانل:

کوروش مدرسی، آذر ماجدی، آذر مدرسی (۲۳ فوریه)

محل: University of London Union (ULU)

Malet Street, London WC1E Room 3E

تلفن تماس: ۰۷۸۷۶۷۳۸۱۱۹

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال به جلسات خودداری
نمائید.

این گفت و شنودها در شهرهای کپنهاک، آمستردام و تورنتو نیز برگزار خواهد شد. تاریخ این نشست ها متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید.

همه علاقمندان را به شرکت در این جلسات دعوت میکنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!